



Challenges of human rights education in Iran's legal system with emphasis on UNESCO 2030 document

Fakhradin Samdi¹, Masoud Raei^{2*}, Seyed Mohammad Mehdi Ghamami³

1. Ph.D Student, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran & Department of Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 305-323

Article history:

Received: 15 Sep 2021

Edition: 3 Nov 2021

Accepted: 14 Feb 2022

Published online: 10 Mar 2022

Keywords:

Human Rights, Human Rights Education, UNESCO 2030 Document, Betting Right

Corresponding Author:

Masoud Raei

Address:

Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-0494-5058

Tel:

031-42292929

Email:

masoudraei@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Education of human rights standards, including the UNESCO 2030 document as a human rights education document, is one of the most important issues related to human rights, which especially in Iran has been the subject of discussion. This article the challenges of not teaching human rights standards such as the 2030 document in Iran examines.

Materials and Methods: This article is Analytical descriptive and uses the library method.

Ethical considerations: In this article, Originality of texts, honesty and trusteeship Has been complied with.

Results: The conflict between some human rights rules and jurisprudential standards is the most important challenge of human rights education in the Iranian legal. in matters such as equality and equality in inheritance, retribution, the teaching of human rights rules, including the 2030 UNESCO document, the right to divorce and testimony, is in conflict with jurisprudential standards and legal rules. Equality in jurisprudence and law refers to the natural differences in the creation of men and women, but the 2030 document equality between men and women emphasizes.

Conclusion: Reservation is considered as a mechanism for resolving conflicts between legal, jurisprudential principles and human right documents, such as 2030. However, in most cases, the latter does not fit into reservation, so training human rights as universal principles effectively represents ignoring judicial standards and domestic legal rules.

Cite this article as:

Samdi F, Raei M, Ghamami SMM. Challenges of human rights education in Iran's legal system with emphasis on UNESCO 2030 document. *Economic Jurisprudence Studies* 2021-2022; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.



مطالعات فقه اقتصادی

ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق ۱۴۰۰



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

چالش‌های فراروی آموزش حقوق بشر با نظام حقوقی ایران با تأکید بر سند ۲۰۳۰ یونسکو

فخرالدین صمدی^۱، مسعود راعی^{۲*}، سید محمدمهدی غمامی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران - گروه حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: آموزش موازین حقوق بشر از جمله سند ۲۰۳۰ یونسکو به عنوان یک سند آموزشی حقوق بشری یکی از موضوعات مهم مرتبط با حقوق بشر است که به ویژه در ایران محل بحث و نظر بوده است. در این مقاله تلاش شده به این مهم پرداخته شود که چالش‌های عدم آموزش موازین حقوق بشر مانند سند ۲۰۳۰ در ایران چیست.

مواد و روش‌ها: مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی مورد اشاره پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: مهمترین چالش آموزش حقوق بشر در نظام حقوقی ایران، تعارض برخی قواعد حقوق بشری با موازین فقهی و حقوقی است. آموزش قواعد حقوق بشر از جمله در سند ۲۰۳۰ یونسکو در مواردی چون برابری و تساوی در ارث، قصاص، حق طلاق و شهادت دادن که با موازین فقهی و قواعد حقوقی مابینت دارد. تساوی در فقه و حقوق به تفاوت‌های طبیعی در خلقت زن و مرد اشاره دارد اما در سند ۲۰۳۰ بر یکسانی زن و مرد تأکید شده است.

نتیجه: حق شرط به عنوان سازوکار رفع تعارض قواعد فقهی حقوقی با اسناد حقوق بشری مانند سند ۲۰۳۰ مطرح است اما در بسیاری موارد اسناد حقوق بشری مایل به حق شرط نبوده و لذا آموزش حقوق بشر به عنوان قواعد جهان‌شمول عملاً به معنای نادیده انگاشتن موازین فقهی و قواعد حقوق داخلی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۰۵-۳۲۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

واژگان کلیدی:

حقوق بشر، آموزش حقوق بشر، سند ۲۰۳۰ یونسکو، حق شرط.

نویسنده مسوول:

مسعود راعی

آدرس پستی:

ایران، نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، گروه حقوق.

تلفن:

۰۳۱-۴۲۲۹۲۹۲۹

کد ارکید:

0000-0002-0494-5058

پست الکترونیک:

masoudraei@yahoo.com

۱. مقدمه

این دیدگاه به صورت فزاینده‌ای در حال تقویت است که آموزش حقوق بشر در کاهش نقض حقوق بشر، تأثیر اساسی و تعیین‌کننده‌ای دارد. عبارت «آموزش کلید تضمین حقوق بشر است» نکته‌ای است که در سال‌های اخیر به ترجیح‌بند راهکارهایی ارائه‌شده از سوی نهادهای سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی فعال در این زمینه تبدیل شده است و هدف ارتقاء آگاهی عموم نسبت به حقوق بشر، نحوه اجرا و ابزارهای تضمین آن‌ها را تعقیب می‌کند. مفهوم آموزش حقوق بشر، بسیاری از اسناد حقوق بشری مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۹۶^۱، ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹^۲ و ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳ از جمله اسناد حقوق بشری است که به بحث آموزش حقوق بشر پرداخته‌اند.

اسناد مورد اشاره، تعریف روشنی از مفهوم آموزش حقوق بشر ارائه می‌دهند که مورد توافق جامعه بین‌المللی است. براساس اسناد مذکور، آموزش حقوق بشر مجموع فعالیت‌های آموزشی، ترویجی و

اطلاع‌رسانی است که در راستای ترویج و نهادینه نمودن قواعد حقوق بشر صورت می‌گیرد. لزوم گسترش آموزش حقوق بشر در بسیاری از قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد و یونسکو و دیگر بخش‌ها و نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفته است. سند نهایی کنفرانس جهانی بشر وین مصوب ۱۹۹۳ بر اهمیت تربیت، آموزش و اطلاع‌رسانی عمومی حقوق بشر تأکید و توجه نموده است. همچنین مجموعه رهنمودهایی برای برنامه‌های عمل ملی جهت آموزش حقوق بشر در چارچوب دهه آموزش حقوق بشر سازمان ملل متحد (۲۰۰۴-۱۹۵۵) توسط دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر تهیه شده است که در نسخه نهایی آن فعالیت‌ها و ابتکارات ملی و محلی را برای آموزش حقوق بشر تشویق و حمایت می‌کند. علاوه بر این، سال ۲۰۰۹ میلادی سال بین‌المللی آموزش حقوق بشر نام گرفته و از دولت‌های عضو سازمان ملل متحد خواسته شد در سراسر آن سال تلاش‌های خود را برای ارتقای بخشیدن به آموختن و آموزش حقوق بشر در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی شدت بخشند و به این منظور همکاری در همه سطوح و با تمامی بازیگران مرتبط را تشویق کنند.

^۳ ماده سیزدهم: «۱- دولت‌های عضو این میثاق، حق هر فرد را جهت برخورداری از آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. آن‌ها می‌پذیرند که آموزش و پرورش می‌باید در جهت توسعه کامل شخصیت و حیثیت انسان و احترام فرد به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تقویت و هدایت شود. همچنین آن‌ها می‌پذیرند که آموزش و پرورش می‌تواند شرکت فعال و مؤثر افراد در یک جامعه آزاد و در فضای تفاهم، مدارا و دوستی بین تمام ملت‌ها و گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی و همچنین فعالیت‌های سازمان ملل جهت برقرار ساختن صلح را تحقق بخشد».

^۱ «حکومت‌های عضو پیمان کوشش خود را می‌کنند تا روند آموزش و پرورش در مدارس درخور منزلت انسانی بوده و با محتوای این عهدنامه هم‌خوان باشد».

^۲ ماده ۲۶: «... آموزش و پرورش می‌بایست در جهت رشد همه‌جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری [تسامح] و دوستی میان تمامی ملت‌ها و گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به برنامه‌های «ملل متحد» در راه حفظ صلح یاری رساند».

که «آموزش حقوق بشر از جمله سند ۲۰۳۰ به عنوان یکی از مهمترین اسناد آموزشی حقوق بشری با برخی قواعد فقهی و موازین حقوقی از جمله برابری و تساوی در ارث، قصاص، حق طلاق و شهادت (گواهی) دادن در تعارض است و همین چالش مهم آموزش حقوق بشر در ایران است.» در راستای بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا به تبیین سند ۲۰۳۰ پرداخته شده و در ادامه چالش‌های اجرایی سند مذکور تحلیل شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

مهمترین چالش آموزش حقوق بشر در نظام حقوقی ایران، تعارض برخی قواعد حقوق بشری با موازین فقهی و حقوقی است. آموزش قواعد حقوق بشر از جمله در سند ۲۰۳۰ یونسکو در مواردی چون برابری و تساوی در ارث، قصاص، حق طلاق و شهادت دادن که با موازین فقهی و قواعد حقوقی مابینت دارد. تساوی در فقه و حقوق به تفاوت‌های طبیعی در خلقت زن و مرد اشاره دارد اما در سند ۲۰۳۰ بر یکسانی زن و مرد تأکید شده است. همچنین آموزش جنسی در سند ۲۰۳۰ به عنوان

یکی دیگر از اسناد مرتبط با حقوق بشر، سند ۲۰۳۰ یونسکو است. پیشینه این سند به اسناد مختلف برمی‌گردد. در بند ۲ این سند به اجلاس‌های قبلی مانند اجلاس‌های برگزار شده برای آموزش در داکار مصوب ۲۰۰۰ م و جومتین تایلند مصوب ۱۹۹۰ م اشاره شده است. هدف از تدوین این سند، بهبود وضع زندگی مردم و تربیت صحیح کودکان عنوان شده است (باقری حامد و همکاران، ۱۳۹۷، ۶۷). در خصوص آموزش حقوق بشر و سند ۲۰۳۰، مباحث زیادی مطرح و تحقیق‌های متعددی انجام شده است؛ مجتبی همتی، در مقاله‌ای به بررسی آموزش حقوق بشر در نظام بین‌الملل پرداخته است (همتی، ۱۳۹۰) محمد فولادی، نیز در مقاله‌ای، به بررسی انتقادی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ یونسکو؛ آثار و پیامدهای آن پرداخته است (فولادی، ۱۳۹۶) علاوه بر این، مریم سلگی و سوده کریمی، مسأله خانواده با محوریت نقش زن در سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو را بررسی کرده‌اند (سلگی و کریمی، ۱۳۹۹) اما بحث چالش‌های اجرایی حقوق بشر چندان مورد توجه قرار نگرفته است. چالش‌هایی اجرای سند ۲۰۳۰ در ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد حقوق بشری از موضوعات مهمی است که بحث اصلی مقاله حاضر بر آن متمرکز شده است. به عبارتی در این مقاله تلاش شده به بررسی این سوال مهم پرداخته شود که چالش‌های فراروی اجرای ابعاد آموزشی سند ۲۰۳۰ به ویژه هدف پنجم سند مذکور که به آموزش پرداخته است، چیست؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است

یکی از آموزش‌های حقوق بشری با مفهوم تربیت جنسی در اسلام مغایرت دارد.

۵. بحث

۵-۱. آموزش حقوق بشر

آموزش حقوق بشر، تمامی آموزش‌هایی که اطلاعات، مهارت‌ها (توانایی‌ها) و ارزش‌های حقوق بشر را توسعه و ارتقاء می‌بخشد را شامل می‌شود (کوند و ویکتور، ۲۰۰۲، ۷۵). آموزش حقوق بشر اشاره به آموزش به تمامی سنین، پایه‌ها و سطوح مناسب شغل رسمی و غیررسمی، مجامع علمی و غیرعلمی به منظور انتقال اطلاعات و آگاهی‌های حقوق بشری به تمامی جوامع و دعوت از افراد و گروه‌ها برای احترام به حقوق بشر و حمایت از آن دارد. در دسامبر ۱۹۹۴ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل ضمن تعیین یک دهه از دسامبر تا اوایل ژانویه به عنوان دهه آموزش حقوق بشر^۱، اعلام کرد. آموزش حقوق بشر را اینگونه تعریف کرد: «یک فرایند دایمی و مستمر که به وسیله آن مردم در تمامی سطوح توسعه و تمامی اقشار جامعه احترام به شأن انسانی دیگران و استفاده از ابزارها و روش‌های تضمین این احترام در همه‌ی جوامع بشر را یاد می‌گیرند» (کوند و ویکتور، ۲۰۰۲، ۷۵). بر این اساس، آموزش حقوق بشر به معنای آموزش مجموعه‌ای از آگاهی‌ها درباره ارزش‌های حقوق بشر و حمایت از آن (امیر ارجمند، ۱۳۷۸، ۱۶۵-۱۶۶). در بسیاری از اسناد سازمان ملل متحد و

یونسکو آموزش حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) (مهرپور، ۱۳۸۳، ۴۳۸-۴۳۲). به عنوان نخستین سند جهانی حقوق بشر در بند ۲ ماده ۲۶، این مسأله را این‌چنین مورد توجه قرار داده که؛ آموزش و پرورش باید به گونه‌ای باشد که شخصیت انسان را تقویت و وی را به کمال برساند (باکسای، ۲۰۰۵، ۱۶۰-۱۵۹).

مطابق ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی، «دول متعاهد در این میثاق حق همگان را بر آموزش به رسمیت می‌شناسند. آن‌ها موافقت دارند که هدف آموزش باید متوجه رشد کامل شخصیت انسانی و احساس کرامت او باشد و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را تقویت نماید. همچنین توافق دارند که آموزش باید تمام افراد را برای مشارکت مؤثر در یک جامعه آزاد، توانمند سازد و در میان تمام ملت‌ها و نژادها، گروه‌های قومی یا مذهبی، تفاهم، تساهل و دوستی را ترویج دهد و به گسترش و تقویت فعالیت‌های سازمان ملل متحد برای حفظ صلح بیانجامد».

بر اساس ماده ۳ کنوانسیون بین‌المللی رفع تمام اشکال تبعیض نژادی «دول متعاهد متعهد می‌شوند به منظور مبارزه با تعصب‌هایی که به تبعیض نژادی می‌انجامد و در جهت گسترش تفاهم، تساهل و دوستی در میان ملت‌ها و گروه‌های نژادی و قومی و همچنین در راستای اشاعه اهداف

^۱ United Nations Decade for Human Rights Education (1995-2004).

و اصول منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه ملل متحد درباره رفع تمام اشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون حاضر، تدابیری فوری و مؤثر به ویژه در زمینه‌های تعلیم، آموزشی، فرهنگ و اطلاعات اتخاذ نمایند».

بر اساس ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک؛ دولت‌های عضو موافقت می‌نمایند که آموزش و پرورش معطوف به موارد ذیل خواهد بود: ۱. رشد شخصیت کودک، استعدادها و قابلیت‌های ذهنی و جسمی وی تا حد ممکن؛ ۲. گسترش احترام به آموزش حقوق؛ ۳. گسترش احترام به ارزش‌های کودک، ارزش‌های ملی کشوری که وی در آن زندگی می‌کند، کشوری که وطن اوست و تمدن‌های متفاوت با تمدن او؛ ۴. آماده کردن کودکان جهت داشتن زندگی مسئولانه در یک جامعه آزاد، یا روحیه‌ای سرشار از تفاهم، صلح، تساهل، برابری جنسیتی، و دوستی در میان تمام مردم، از گروه‌های قومی، ملی و مذهبی گرفته تا افراد بومی؛ ۵. گسترش احترام به محیط‌زیست. دستورالعمل‌های عمومی که وفق شق (ب) بند ۱ ماده ۴۴ کنوانسیون درباره شکل و محتوای گزارش‌های تسلیمی از جانب دولت‌ها است.

علاوه بر اسناد بین‌المللی، در اسناد منطقه‌ای حقوق بشری نظیر ماده ۲۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها ۱۹۸۲^۱ نیز به مقوله آموزش حقوق بشر توجه شده است (الفردسون، ۱۹۹۵، ۲۲۷-۲۱۳). به موجب تمامی اسناد مذکور، دولت‌ها متعهد به

آموزش مستقیم استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شده‌اند و از این جهت بسیاری از دولت‌ها تلاش کرده‌اند تا این مقررات را به همین شکل در سیستم داخلی خود اعمال نمایند و یا مقررات خود را مطابق این استانداردها اصلاح نمایند. بنابراین وضعیت حقوقی آموزش حقوق بشر تا حدودی روشن است. ایران نیز با تصویب و پذیرش اسناد متعدد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ آموزش حقوق بشر را پذیرفته است (مهرپور، ۱۳۸۳، ۴۱۳-۴۱۱). قانون اساسی نیز در اصل بیستم حقوق مساوی انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه افراد ملت را با رعایت موازین اسلامی مورد شناسایی قرار داده که بهره‌مندی از آموزش حقوق بشر یکی از حقوق فرهنگی انسانی محسوب می‌شود. البته با توجه به قید اسلامی بودن تمامی قوانین بر اساس اصل ۴ قانون اساسی به نظر می‌رسد آموزش حقوق بشر تنها در محدوده‌ای که تعارضی با احکام اسلامی نداشته باشد در مقررات داخلی مجاز شمرده شده است زیرا در برخی موارد موازین حقوق بشری با قواعد فقهی و حقوقی در ایران در تعارض است؛ موضوعی که در مقاله حاضر به آن پرداخته می‌شود.

^۱ African [Banjul] Charter on Human and Peoples, Rights, OAU Doc. CAB/LEG/67/3 Rev. 5, 21 ILM58 (1982), Entered in to Force 21 October 1986

۵-۲. سند ۲۰۳۰ سازمان یونسکو

برنامه آموزش ۲۰۳۰، برنامه‌ای فراملی و نسخه‌ای واحد جهانی برای تحقق آرمان چهارم از مجموعه آرمان‌های اهداف توسعه پایدار «یونسکو» می‌باشد؛ توسعه‌ای شامل کلیت نظام آموزشی در تمامی سطوح آموزش، اعم از رسمی، غیررسمی و ساختارنیافته، برای دستیابی به جامعه یادگیرنده و پایدار. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، با عنوان مخفف یونسکو، عنوان سازمانی فراملیتی است که در راستای اهداف نظام فکری مبتنی بر جهانی‌سازی در سال ۱۹۴۵ به عنوان یکی از سازمان‌های سازمان ملل متحد تأسیس گردید. در بند اول اساسنامه یونسکو، هدف از تأسیس آن، کمک به فرایند صلح و امنیت جهانی، به واسطه‌ی همکاری‌های بین‌المللی، در زمینه‌های آموزش علمی و فرهنگی، به منظور افزایش احترام به عدالت، قانون‌مداری و حقوق بشر، بر پایه منشور سازمان ملل متحد تعیین شده است.

سند ۲۰۳۰ یکی از مهم‌ترین اسناد آموزشی حقوق بشر است. آرمان برنامه آموزش ۲۰۳۰، «تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه» است. از سوی «یونسکو»، برای تحقق این آرمان، هفت هدف ویژه طراحی شده است. این اهداف عبارت‌اند از: آموزش ابتدایی و متوسطه فراگیر؛ توسعه مراقبت اوان کودکی و آموزش پیش‌دبستانی و فراگیر؛ دسترسی برابر به آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای؛ مهارت‌های مختلف برای کار شایسته و شرافتمندانه؛ فراگیری و دسترسی برابر

زنان و مردان به فرصت‌های آموزشی؛ سوادآموزی فراگیر جوانان؛ و آموزش شهروندی برای توسعه پایدار. دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار یا سند ۲۰۳۰ یونسکو مجموعه‌ای از اهداف هستند که به آینده مربوط می‌شوند. رؤسای دولت‌ها، نمایندگان دولت‌های نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ گرد هم آمدند و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دستور کار توسعه پایا ۲۰۳۰ را تصویب کردند. سند ۲۰۳۰ دارای یک مقدمه و ۱۷ هدف است. از بین تمام اهداف توسعه پایدار، هدف چهارم یعنی آموزش باکیفیت و از جمله آموزش موازین حقوق بشر، به عنوان یکی از مهمترین اهداف سند ۲۰۳۰ شناخته می‌شود (سلامتی و همکاران، ۱۳۹۴). این سند ادامه سند ۱۹۹۰ «جامتین» تایلند است که تحت عنوان آموزش برای همه مطرح شد. در کنفرانس جامتین، نمایندگان ۱۳۰ کشور برآموزش به عنوان یک مؤلفه مهم تأکید و بیان نمودند که همه چیز معطوف به آموزش است. یعنی اگر می‌خواهیم فقر ریشه‌کن شود، برابری جنسیتی اتفاق بیفتد، منابع درست مصرف شود، همه این موارد مبتنی بر آموزش است و رسیدن به این اهداف بدون آموزش امکان‌پذیر نمی‌باشد لذا از میان اهداف ۱۷ گانه هدف چهارم را انتخاب نمودند که بتوانند بر روی آن کار کنند و تا سال ۲۰۳۰ بتوانند به اهداف مورد نظر یعنی آموزش با کیفیت برسند. آموزش حقوق بشر و ارزش‌های حقوق بشری نظیر برابری جنسیتی و زیست اجتماعی مطابق ارزش‌های حقوقی بشری به اطفال و نوجوانان نیز از جمله

راهکارهای سند ۲۰۳۰ برای آگاهی بخشی به اطفال و نوجوانان است، بر همین اساس سند ۲۰۳۰ یکی از مهمترین اسناد آموزش حقوق بشر تلقی می شود.

۵-۳. چالش های آموزش سند ۲۰۳۰ یونسکو

در این قسمت به بررسی چالش های آموزش سند ۲۰۳۰ یونسکو پرداخته می شود.

۵-۳-۱. آموزش تساوی و برابری جنسیتی

یکی از واژه های اختصاصی سند آموزشی ۲۰۳۰، موضوع تساوی جنسیتی^۱ است. این اصطلاح در بندهای ۷ و ۸ بیانیه اینچئون صفحه ۲۵ چارچوب اقدام سند، به صورت مبسوط مطرح شده است. بیانیه اینچئون در گردهمایی جهانی آموزش در تاریخ ۲۱ می ۲۰۱۵ م. در گره جنوبی با توافق جامعه جهانی در موضوع «آموزش» تدوین و تصویب شد. این بیانیه، چشم انداز آموزش جهان را در ۱۵ سال آینده به تصویر می کشد و کشورها را تشویق می کند تا فرصت های آموزشی فراگیر و برابر، با کیفیت و یادگیری مادام العمر را برای همگان فراهم کنند. این بیانیه، تأکید می کند که آموزش، عامل اصلی صلح و توسعه پایدار جهانی است؛ همچنین در چارچوب برنامه عمل آموزش، کشورها را وادار می کند تا در سطح ملی اهدافی را برای پرداخت های مالی تعیین کنند و «کمک رسمی برای توسعه» را برای کشورهای کم درآمد افزایش دهند (فولادی، ۱۳۹۶، ۸۱). در صفحه ۲۵ سند چارچوب اقدام آمده است که: «وقتی سند از

عدم نادیده گرفتن حتی یک نفر سخن به میان می آورد، بدین معنا است که همه افراد فارغ از جنسیت باید در این چارچوب یکسان باشند». همچنین در ادامه بند ۵ در همان صفحه متذکر می شود که: «دستورالعمل آموزشی ۲۰۳۰ یک سند جهانی است که به همه جهان تعلق دارد و در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه باید یکسان باشند». برابری و تساوی جنسیتی در جای جای سند ۲۰۳۰ مورد تأکید قرار گرفته است. در قسمت مقدمه و در قسمتی از بند ۳ سند مذکور آمده است که: «ما برآنیم تا از حقوق بشر دفاع کنیم و برابری جنسیتی و توانمندسازی دختران و زنان را ترویج نماییم» همینطور در بند ۸ در قسمتی آورده است: «...جهان مورد تصور ما جهانی است که در آن همه زنان و دختران به طور همه جانبه، تساوی جنسیتی را درک کنند...». در بند ۲۰ نیز به رسمیت شناختن تساوی جنسیتی را در محقق شدن تمام اهداف این سند مؤثر ذکر می کند. در ادامه، در انتهای بند ۱۰، چهارچوب اقدام سند، تعریف خود را از تساوی جنسیتی روشن می سازد: «تساوی جنسیتی، ارتباطی جدایی ناپذیر با حق آموزش برای همگان دارد. دستیابی به تساوی جنسیتی متضمن اتخاذ رویکرد حق محوری است که نه تنها دسترسی کمی زنان و دختران را به طور مساوی با مردان و پسران تضمین می کند، بلکه این تساوی را در درون آموزش از طریق آن قدرتمند می سازد». بند ۲۰ چهارچوب اقدام سند اضافه می کند: «سیستم های آموزشی به منظور تضمین تساوی

^۱ gender equality

جنسیتی باید صراحتاً در جهت محو تعصبات و تبعیضات جنسیتی ناشی از باورها و رویه‌هایی فرهنگی اجتماعی و وضعیت‌های اقتصادی گام بردارند». این عبارت گویای آن است که بحث از تساوی تنها یک مقوله کمی و مرتبط با تعداد نیست؛ یعنی به عبارت بهتر، سند ۲۰۳۰ یونسکو تنها در پی ایجاد تساوی در تعداد آموزندگان نیست، بلکه محتوای آموزشی را نیز بر مبنای این تساوی، تهیه و تنظیم می‌کند (فرهانی فرد، ۱۳۸۴، ۳۸). برای روشن شدن این نظر بهتر است نیم‌نگاهی به تفصیل یونسکو از آموزش داشته باشیم: یونسکو بر اساس بیانیه عمومی شماره ۱ خود در سال ۲۰۰۱ م نسبت به بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک اعلام نمود که حق کودک بر آموزش، نه تنها ناظر بر دسترسی (کمی) وی به آن، بلکه ناظر به محتوا (آموزش کیفی) نیز می‌باشد. یونسکو بر این باور است که تحقق اهداف آموزشی توسعه پایدار تنها از طریق گنجاندن محتوای آموزشی بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک امکان‌پذیر است. برخی از قسمت‌های محتوای این آموزش‌ها مانند ترویج مؤلفه‌های حقوق بشر (همچون آموزش مفاهیمی نظیر جامعه آزاد) و همچنین تشابه حقوق زن و مرد در این کنوانسیون با برخی از احکام اسلامی در تضاد است و علی‌رغم آنکه جمهوری اسلامی ایران در زمان پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک از حق تحفظ (حق شرط) استفاده نمود، اما از سوی کمیته حقوق کودک به عنوان رکن ناظر و تفسیرکننده

کنوانسیون، به نقض حقوق کودک محکوم شده است (آقایی، ۱۳۸۲، ۲۱).

در ادامه باید اشاره نمود که تساوی جنسیتی مورد تأکید در سند ۲۰۳۰ به معنای تشابه تام و کامل دو جنس زن و مرد در کمیت و کیفیت آموزشی، بدون توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و... است. در واقع سند ۲۰۳۰ رویکردی متفاوت به مقوله جنسیت دارد. سند یونسکو آموزش را ابزاری برای برابری میان زنان و مردان تلقی کرده است. برابری جنسیتی مورد تأکید سند ۲۰۳۰، برابری مورد اشاره در سایر اسناد حقوق بشری از جمله کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ است. در سند ۲۰۳۰ بر برابری جنسیتی به دفعات و به معنای یکسانی کامل زن و مرد تأکید شده، در حالی که در اسلام تساوی میان زن و مرد به معنای موردنظر سند ۲۰۳۰ و یکسانی در همه زمینه‌ها، مطرح نیست.

در اسلام میان زن و مرد تفاوت‌های زیادی وجود دارد. به عنوان مثال اسلام حق طلاق را به مرد می‌دهد. مگر آنکه شرط ضمن عقد خلاف این را اقتضا کند و یا در شوهر عیوبی باشد که مقتضی طلاق و رهایی زن باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۲، ۱۱۶). بر اساس ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی نیز، حق طلاق با مرد است و صحت آن احتیاج به موافقت زن ندارد. همچنین در مواردی که زن در استیصال به سر برد و مشکلاتی را از ناحیه همسر تحمل کند حکومت اسلامی می‌تواند دخالت کرده و طلاق زن را از شوهر بگیرد (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۶، ۴، ۴۳).

در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز به تبع رویکرد فقه در این خصوص، به زوجه اجازه داده شده است در مواردی که در زندگی مشترک دچار عسر و حرج شده با مراجعه به دادگاه درخواست طلاق نماید. در بحث طلاق در اسلام بحث لزوم نگهداری عده برای زن مطرح است (روحانی قمی، ۱۴۱۲، ۲، ۲۳). کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از جمله اسناد حقوق بشری است که در بحث برابری جنسیتی منبع حقوقی مورد نظر سند ۲۰۳۰ یونسکو است. قواعد فقهی و حقوقی ایران در خصوص حق طلاق با کنوانسیون مذکور مغایر است. بر اساس ماده ۱ کنوانسیون مذکور: «تبعیض علیه زنان، به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً، هدفش از بین بردن این وضعیت است». همچنین بر اساس ماده ۱۶ کنوانسیون: «دولت‌های عضو باید اقدام‌های لازم را برای رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی به عمل آورند و مخصوصاً بر پایه تساوی حقوق مرد و زن امور زیر را تضمین کنند: الف: حق یکسان برای انعقاد ازدواج، ب: حق یکسان برای انتخاب آزادانه همسر و انعقاد ازدواج بر اساس رضایت آزاد و کامل طرفین، ج: حقوق و مسئولیت‌های یکسان در دوران ازدواج و هنگام

انحلال آن، د: حقوق و مسئولیت‌های یکسان به عنوان والدین، قطع نظر از وضعیت زناشویی آنها، در موضوعات مربوط به فرزندان، در تمام موارد، منافع کودکان در اولویت است».

علاوه بر این، حرمت ازدواج پس از سه طلاق (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ۳، ۵۹۱؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۸، ۳، ۱۷؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ۱۶۷) با ماده شانزدهم کنوانسیون در تعارض است. طبق ماده ۱۰۵۷ قانون مدنی، «که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده، بر آن مرد حرام می‌شود مگر اینکه به عقد دایم به زوجیت مرد دیگری درآمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت، فراق حاصل شده باشد».

بر اساس آنچه از اسناد حقوق بشری قابل استنباط است، رضایت فرد مهمترین شرط در ازدواج است. در حالی که بنابر نظر مشهور علمای اسلام در مورد دختر جوانی که برای اولین ازدواج می‌کند، رضایت پدر و یا جد پدری او نیز شرط است و پدر و جد پدری در مورد طفل صغیر ولایت دارند (صدوق، ۱۴۱۸، ۲۶۰؛ طوسی، ۱۴۱۷، ۴، ۲۵۳؛ بحرانی، ۱۴۰۶، ۲۳، ۲۱۴-۲۱۲). همچنین طبق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی: «ازدواج دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد منوط به اجازه پدر یا جد پدری او است». این دیدگاه با مواد یکم و شانزدهم کنوانسیون مغایر است.

تفاوت زن و مرد در بعضی احکام جزایی نیز مصداق دارد. یکی از این موارد، اختلاف در اجرای قصاص زن و مرد است. اگر زنی مردی را به قتل برساند در صورت تقاضای اولیای دم، قصاص خواهد شد

(نجفی، ۱۴۰۴، ۴۲، ۳۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۹، ۱۲۲). طبق ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی اگر مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص می‌شود، اما اولیای دم زن قبل از قصاص قاتل باید نصف دیه مرد قاتل را به او پرداخت کنند و چنانچه دیه مذکور به قاتل پرداخت نشود قصاص صورت نخواهد گرفت. طبق ماده ۳۶۰ قانون مجازات اسلامی، اولیای دم، «میان قصاص با رد فاضل دیه (دادن نصف دیه نفس به قاتل و اجرای قصاص) و گرفتن دیه مقرر در قانون (گرفتن نصف دیه کامل مرد) ولو بدون رضایت مرتکب (زنی که همسرش را کشته) مخیر است». این مورد با ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر که اشاره به برابری همه در برابر قانون می‌کند، تفاوت دارد: «هرکس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه‌جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود». همین‌طور با مواد یکم و پانزدهم کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مابینت آشکار دارد. «از نظر این کنوانسیون عبارت "تبعیض علیه زنان" به هرگونه تمایز، استثنا محرومیت یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی، یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان است صرف‌نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان، اطلاق می‌گردد؛ دولت‌های عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در برابر قانون اعطا می‌کنند».

تفاوت در ارث از دیگر تفاوت‌های زن و مرد در اسلام است. در اسلام، دختر به اندازه نصف پسر از ارث برخوردار می‌شود. همچنین زن از اموال غیرمنقول ارث نمی‌برد (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ۲۶۹). بر اساس ماده ۹۰۷ قانون مدنی: «اگر فرزند، منحصر به یکی باشد خواه پسر خواه دختر تمام ترکه به او می‌رسد. اگر اولاد متعدد باشند ولی تمام پسر، یا تمام دختر، ترکه بین آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود. اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آن‌ها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر ارث می‌برد». همچنین بر اساس ماده قانون ۹۴۶ قانون مدنی «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد و زوجه در صورت فرزندان بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می‌باشد». این دیدگاه با ماده ۹ اعلامیه و مواد یکم و شانزدهم کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان مغایرت دارد. البته اسلام به حریت و حرمت زن و مسئله ارث او توجه ویژه نشان داد و او را صاحب حقوق ویژه خود در دوران متفاوت زندگی کرد و این را تا آنجا پیش برد که به زن این اجازه را داد که در قبال شیری که به فرزند خویش می‌دهد از شوهرش تقاضای حقوق کند. با این حال تفاوت‌های وضعیت اقتصادی زن و مرد و این مسئله که اساساً در اسلام بار اقتصادی خانواده بر دوش مرد گذاشته شده است و مسئولیت اصلی اقتصادی خانواده بر عهده مرد است و همچنین نفقه زن بر او لازم و بلکه واجب است؛ موجب این

شده تا اسلام در مسئله سهم الارث نگاه خاصی به مردان کند.

واگذاری مناصب عالی و قضاوت و شهادت (گواهی) دادن از دیگر تفاوت‌های میان زن و مرد در اسلام است. طبق نظر مشهور فقها قضاوت اختصاص به مرد دارد و زنان نمی‌توانند این منصب را احراز کنند (الموردی، ۱۳۸۰، ۶۵؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۷، ۵۶۲؛ گلپایگانی، ۱۴۰۵، ۱، ۴۴). مطابق قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱، قضات از بین مردان واجد شرایط انتخاب می‌گردند. بر اساس ماده واحده مذکور، «قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می‌شوند». در مسئله شهادت دادن نیز گفته شده زن و مرد دارای ارزش یکسان نیستند، شهادت دو زن ارزش شهادت یک مرد را دارد و این در حالی است که در برخی از امور مانند حد سرقه، شرب خمر و ارتداد اصولاً با شهادت زن نمی‌توان موضوع را اثبات کرد (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰، ۱۶۱). بر اساس ماده ۷۴ قانون مجازات اسلامی: «زنا چه موجب حد جلد (شلاق) و چه موجب حد رجم (سنگسار) با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می‌شود». همچنین بر اساس ماده ۷۶ قانون مجازات اسلامی: «شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت یک مرد عادل زنا را ثابت نمی‌کند بلکه در مورد شهود مذکور حد نصاب قذف جاری می‌شود». محدودیت در احراز سمت قاضی و قبول شهادت زن با بند یک و دوم ماده پانزده کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مغایر است. مطابق بند دوم ماده پانزدهم کنوانسیون مورد

اشاره، «دولت‌های عضو، در امور مدنی، همان اهلیت قانونی را که مردان دارند به زنان داده و امکانات مساوی برای اجرای این اهلیت را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. مخصوصاً دولت‌های عضو به زنان حقوق مساوی با مردان را در انعقاد قرارداد و اداره اموال می‌دهند و در تمام مراحل دادرسی در دادگاه‌ها و محاکم با آن‌ها رفتار یکسان خواهند داشت».

همچنین منصب ولایت امت مخصوص مرد است (طباطبایی، ۱۴۲۳، ۴، ۳۴۳) در نظام حقوقی نیز احراز پست‌های عالی در نظام سیاسی مانند ریاست جمهوری به مردان محدود شده است. مطابق اصل ۱۱۵ قانون اساسی: «رییس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد» محدودیت در ولایت و احراز پست‌های عالی سیاسی از سوی زنان با ماده هفتم کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مباین است. بر اساس ماده هفتم کنوانسیون مذکور: «دولت‌های عضو کنوانسیون موظفاند اقدامات مقتضی برای رفع تبعیض علیه زنان در زندگی سیاسی و عمومی کشور، اتخاذ نموده و مخصوصاً اطمینان دهند که در شرایط مساوی با مردان، حقوق زیر را برای زنان تأمین کنند: الف: حق رأی دادن در همه انتخابات و همه‌پرسی‌های عمومی و صلاحیت انتخاب شدن در همه ارگان‌هایی که با انتخابات عمومی برگزیده می‌شوند. ب: حق شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آن‌ها و به عهده گرفتن پست‌های دولتی و انجام وظایف عمومی در تمام سطوح دولتی. ج: حق شرکت در سازمان‌ها و

انجمن‌های غیردولتی مربوط به زندگی عمومی و سیاسی کشور».

رویکرد سند ۲۰۳۰ در خصوص تساوی و برابری جنسیتی با آنچه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، آمده نیز، در تعارض است. در راهکار ۶/۵ سند تحول بر طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش‌های دختران و پسران تأکید شده است. از منظر اسناد بین‌المللی تفکیک جنسیتی مصداق بارز تبعیض جنسیتی و خشونت جنسی است. در حالی که در سند تحول متناسب با تفاوت‌ها و نقش متفاوت دختر و پسر و در نظر گرفتن آموزه‌های دینی طراحی و تدوین شدند. محتوای آموزشی بر اساس سند یونسکو باید عاری از هرگونه تبعیض و خشونت باشد. در اسناد بین‌المللی تفکیک جنسیتی از مصادیق اعمال تبعیض و خشونت جنسی است. این در حالی است که در نظام تربیتی اسلام آموزش بر اساس تفاوت‌های جنسیتی است؛ دختران و پسران بر اساس تفاوت‌های جنسیتی آموزش می‌بینند؛ که به‌وضوح در سند تحول مورد تأکید قرار گرفته است. در بند ۱/۱ راهکار سند تحول بر توجه بیشتر به تفاوت‌های فردی به ویژه هویت جنسیتی دانش‌آموزان تأکید شده است. با توجه به آنچه ذکر شد، تأکید بسیاری از بندهای این سند، از جمله پذیرش برابری، تفکیک و آموزش جنسی، مستلزم حذف بسیاری از قوانین اسلامی از متون درسی نظام آموزشی است. در واقع پذیرش سند ۲۰۳۰ با

پذیرش به معنی پذیرش برابری جنسیتی و حذف موانع آموزش جامع جنسیتی، حذف بسیاری از ارزش‌های دینی، فرهنگی و ملی از متون آموزشی، و بالاخره پذیرش رسمی حقوق بشر است. اندیشه لزوم تساوی حقوقی در اسناد حقوق بشری به این نکته برمی‌گردد که چون زن و مرد در انسانیت مشترک هستند، باید از تشابه حقوقی نیز بهره‌مند باشند. اما در اندیشه اسلامی علیرغم برابر دانستن زن و مرد، به تفاوت‌های آنها نیز توجه شده است.

۵-۳-۲. بحث آموزش جنسی

از دیگر اصطلاحات کلیدی سند ۲۰۳۰ آموزش، می‌توان به مسئله آموزش جامعه جنسی^۱ اشاره نمود. آموزش جنسی یکی از موضوع‌های مهم در حوزه تربیت است و در چگونگی شکل‌گیری شخصیت انسان نقش مهمی داشته، بر افکار، عواطف و رفتارهای انسان تأثیرگذار است (اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۱۲). در بند ۲۶ سند ۲۰۳۰ به تعهد نسبت به ارائه خدمات مراقبت‌های بهداشتی در امور جنسی و باروری و همین‌طور هدف قرارگرفتن تنظیم خانواده پرداخته شده است. ازجمله موارد دیگری که در این سند به این موضوع اشاره دارد صفحه ۳۵ سند و بند ۷۳ است که بیان می‌کند؛ «تضمین دسترسی جهانی به خدمات بهداشتی و درمانی در حوزه مسائل جنسی و باروری ازجمله: در راستای تنظیم خانواده، اطلاع‌رسانی و ادغام بهداشت باروری در برنامه‌ها و راهبرد ملی».

¹ comprehensive sexuality education

اسلام به بحث تربیت جنسی پرداخته است. در تربیت جنسی اسلامی زمینه‌ها و عوامل مربوط به مسائل جنسی به گونه‌ای باید در کنار یکدیگر قرار بگیرند که استعداد های فرد را به مسیر کمال منتهی کنند. پس می‌توان گفت در اسلام هدف از تربیت جنسی رسیدن به آگاهی، آداب و عاداتی است که در پی ارضای غریزه جنسی است که این مسیر نیازمند لوازمی است (ثابت، ۱۳۸۵، ۴۴ و ۴۵).

تربیت یا آموزش جنسی می‌تواند دو معنی داشته باشد اول اینکه به هریک از دو جنس آموزش دهیم مانند هم‌جنسان خود و هنجارهای آن جنس عمل کند، مانند اینکه پسران لباس صورتی انتخاب نکنند البته هنجارهای هر یک از دختر و پسر در جوامع مختلف متفاوت است و با توجه به نقشی که دارند عمل خواهد نمود. و معنای دوم آن ارائه آگاهی‌های لازم در باب مسائل مربوط به غریزه جنسی می‌باشد (متقی‌فر، ۱۳۸۳، ۱۳۵ و ۱۳۶). نظریات اسلامی در باب تربیت جنسی هر دو معنا را دنبال می‌کند، اما سند ۲۰۳۰ به قرینه مبحث ایدز و تنظیم خانواده که در کنار بحث آموزش جنسی مطرح شده است به دنبال معنای دوم است. از دید اسلام، کودک از بدو تولد دارای غریزه است. پس ضروری است از هرگونه تحریک کودک پرهیز شود. با توجه به ثمرات نامطلوب و منفی بلوغ زودرس و تحریک در کودکی پدر و مادر (حتی معلمین) باید روش‌های پیشگیری کودک از انحراف و زمینه‌های انحراف را بشناسند. این موارد شامل

پرهیز از روابط جنسی در برابر فرزند است (فقیهی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۱۳-۱۱۲).

امام صادق علیه‌السلام فرمودند که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «سوگند به خدایی که جانم در دست اوست اگر مردی همسر خود را در خانه‌ای که کودک بیداری آن‌ها را ببیند و صحبتشان را بشنود و صدای نفس‌زدنشان را بشنود، هم‌آغوش شود، کودک هرگز رستگار نخواهد شد و زناکار خواهد بود» (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۱، ۱۴۳).

بر اساس آنچه گفته شد آموزش جنسی مورد نظر سند ۲۰۳۰ به عنوان یک سند آموزشی حقوق بشری مغایر با ارزش‌های اسلامی است. تصویب و اجرای سند ۲۰۳۰ دگرگونی‌های بسیاری را در آموزش کشور ایجاد خواهد کرد که از جمله ارائه آموزش‌های جنسی به کودکان است. در حقیقت مقصود از تربیت جنسی، از دیدگاه اسلام این است که فرد را به گونه‌ای تربیت کنیم که وقتی به سن بلوغ رسید؛ حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد؛ به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد؛ از بی‌بندوباری پرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی خلق و خوی او باشد این کاملاً با آنچه در سند ۲۰۳۰ به عنوان آموزش جنسی مطرح است در تعارض است.

۵-۳-۳. آموزش حذف کلیشه‌های جنسیتی

نکته دیگری که در سند ۲۰۳۰ بچشم می‌خورد کلیشه‌های جنسیتی است. درواقع یکی از زیرمجموعه‌های بحث تساوی جنسیتی، محو

کلیشه جنسیتی^۱ است. که در بند ۲۰ چهارچوب اقدام سند ۲۰۳۰، صراحتاً مورد تأکید قرار گرفته است. در بخشی از این بند آمده است: «دولت و سایر اعضای این سند باید سیاست‌ها، برنامه‌ها و محیط‌های آموزشی جنسیت‌محور را مدنظر قرار داده و موضوعات مربوط به جنسیت را در فرایند آموزش دبیران و فرآیند نظارت بر محتوای برنامه درسی بگنجانند. همچنین باید هرگونه تبعیض بر پایه جنسیت و خشونت مبتنی بر آن را حذف کنند تا اطمینان حاصل شود که آموزش و یادگیری اثر برابری بر دختران و پسران و زنان و مردان داشته است. همچنین باید کلیشه‌های جنسیتی حذف شوند و تساوی جنسیتی پیش‌روی می‌نماید» (غمامی و خمایی، ۱۳۹۸، ۲۵). کلیشه جنسیتی از منظر کمیساریای عالی حقوق بشر عبارت‌اند از: «یک دیدگاه کلی یا یک پیش‌فرض درباره ویژگی‌ها و شاخص‌هایی که باید از سوی زنان و مردان ایفا شود و یا نقش‌هایی که از سوی آنان بر عهده گرفته شود. این کلیشه‌ها مانع زنان و مردان در به فعل رساندن توانایی‌ها، رسیدن به خواست‌ها و تمایلات انجام امور تخصصی و انتخاب سبک زندگی دلخواهشان می‌شود.» بنابر تعریف کمیساریای حقوق بشر، هر آنچه پیش‌فرض یا تفکر نقش‌مدار انسان را رقم زند، اعم از ایجاد نقش‌های هویتی همانند مادری، همسری، شوهری و... نوعی کلیشه جنسیتی است؛ چرا که هر نقشی که مانع به فعل رساندن توانایی‌ها، خواست‌ها و تمایلاتشان شود، مردود است. این مهم پیش از این در قطعنامه‌های

مجمع عمومی ملل متحد به ویژه در اسناد منتشرشده از دهه سازمان ملل برای زنان (۱۹۷۵-۱۹۸۵) مورد تأکید قرار گرفته شده بود و کنوانسیون رفع هر نوع اشکال تبعیض علیه زنان نیز بدان اشاره کرده بود دقیقاً، برخلاف آنچه به عنوان نفی کلیشه‌های جنسیتی در پارادایم فکری سند ۲۰۳۰ بیان شده، هویت نقش‌مدار انسان‌ها به ویژه زنان در بستر خانواده در جامعه مورد اهتمام نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است (غمامی و خمایی، ۱۳۹۸، ۱۴-۱۱). در مجموع با توجه به آنچه بیان شد؛ چنین به نظر می‌رسد که سند ۲۰۳۰ مستلزم دور شدن از آموزه‌های اسلامی، موارد قرآنی و بسیاری از ارزش‌های اسلامی است چراکه روح حاکم بر سند ۲۰۳۰، با ارزش‌های اسلامی در تضاد است. طبق سند یونسکو به عنوان مرکز ذی‌صلاح برای تدوین و اجرای برنامه جهانی آموزش، در تحقق توسعه پایدار جهانی پذیرفت شده است. به گونه‌ای که این سند جهانی، تعهدات و الزاماتی را برای کشورهایی که آن را پذیرفته‌اند، به دنبال خواهد داشت و عدم پایبندی به آن‌ها، پیامدهای ناگواری به دنبال دارد. افزون بر این، آموزش شهروندی جهانی، مستلزم گذر از بسیاری از ارزش‌های اسلامی در سطح خانواده، مدرسه و جامعه است (فولادی، ۱۳۹۶، ۸۴). سند ۲۰۳۰ با استفاده از عناوینی مانند «ترویج شیوه‌های زندگی پایه‌دار»، «تساوی جنسیتی»، «ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت»، «شهروندی جهانی»، «احترام به تنوع فرهنگی»، «همکاری‌های بین‌المللی برای

¹ gender equality

تربیت معلم جهت آموزش در کشورهای توسعه‌یافته، در پی رواج فرهنگ و سطح زندگی فردی و کمرنگ نمودن دین در مدارس است (غمامی و خمایی، ۱۳۹۸، ۱۴-۱۳). این هدف با شیوه تغییر محتوای کتب آموزشی مدارس و آموزش معلمان زیر نظر سازمان یونسکو اجرا می‌شود که با تعریف اسلام از نقش زن و مرد جامعه سازگار نیست.

ممکن است راهکارهایی در راستای آموزش موازین حقوق بشر اسنادی چون سند ۲۰۳۰ یونسکو مبنی بر حفظ حق شرط ارائه شود. اما در عمل چندان این‌گونه نیست زیرا مطابق ماده ۱۹ کنوانسیون وین که به حقوق معاهدات معروف است، هر کشوری در صورتی می‌تواند برای توافق‌نامه‌ها و اسناد بین‌المللی حق شرط قائل شود که حق شرط اعلام‌شده با هدف و مقصد از معاهده سازگار باشد. همین نکته در بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان تصریح و بیان شده که، اساساً هرگونه حق شرط نسبت به کنوانسیون که با هدف و روح حاکم بر کنوانسیون مخالف باشد، مورد پذیرش نخواهد بود. همان‌گونه که اشاره شد سند آموزشی ۲۰۳۰ که یکی از مهم‌ترین اسناد آموزش حقوق بشر است در کلیدی‌ترین هدف خود که آموزش تساوی و یکسانی همه‌جانبه زن و مرد است با موازین فقهی و حقوقی در ایران مغایرت دارد و حق شرط قائل شدن در خصوص این سند به معنای نادیده انگاشتن روح کلی حاکم بر سند مذکور است. در مجموع باید گفت که سند ۲۰۳۰ یونسکو بر مبنای انسان‌مداری استوار بوده در حالی

که موازین فقهی و حقوقی در ایران رویکرد متفاوت به انسان و تربیت وی دارد. در این سند به برابری جنسیتی اشاره شده، در حالی که در نظام تربیتی اسلام با توجه به تفاوت‌های جنسیتی به دختران و پسران آموزش داده می‌شود. در چارچوب عمل ۲۰۳۰ به واژه‌هایی همچون شهروند جهانی و برابری جنسیتی اشاره شده است اما در چارچوب موازین اسلامی و حقوق ایران، برابری زن و مرد متناسب با تفاوت‌های ذاتی این دو تفسیر شده است.

۶. نتیجه

ازجمله فعالیت‌های سازمان یونسکو فعالیت‌های علمی فرهنگی است. سازمان یونسکو برای آموزش همه افراد کشورهای جهان سندی تحت عنوان برنامه آموزش ۲۰۳۰ را تدوین کرده است. هدف چهارم سند بر آموزش موازین حقوق بشری ازجمله تساوی و برابری جنسیتی تأکید دارد. یکی از چالش‌های اساسی آموزش حقوق بشر و ازجمله سند ۲۰۳۰ یونسکو در ایران، تأکید اسناد مورد اشاره بر برابری کامل و یکسان زن و مرد است. این امر با آموزه‌های فقهی و به تبع آن قواعد حقوقی در ایران در خصوص حقوق و مناسبات زن و مردم در تعارض است. بحث حق طلاق، ارث، قصاص، گواهی و شهادت دادن در دادگاه و اجازه دختر باکره برای ازدواج، ازجمله مصادیقی است که بر اساس موازین فقهی و قواعد حقوقی میان زن و مرد یکسان و برابر نیست. رویکرد فقهی و حقوق ایران نسبت به زن و مرد مبتنی بر توجه به ویژگی‌های فیزیکی و

شخصیت متفاوت این دو بنا شده است. در اسلام زن و مرد دارای منشاء هویت و خلقت یکسان هستند اما دارای تفاوت‌های فیزیکی می‌باشند که نمی‌توان قواعد یکسانی برای آن‌ها تجویز کرد. این در حالی است که یکی از مؤلفه‌های اصلی آموزش حقوق بشر از جمله در ۲۰۳۰ یونسکو، آموزش برابری و یکسانی همه‌جانبه زن و مرد است. حفظ حق شرط در پیوستن به بسیاری از اسناد حقوق بشری نیز با چالش مواجه است زیرا کنوانسیون معاهدات وین حق شرط را منوط به عدم لطمه به روح حاکم بر سند و توافق‌نامه بین‌المللی کرده است، ضمن اینکه بسیاری از اسناد حقوق بشری مانند کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نیز چنین شرطی را برای حفظ حق شرط قائل شده است و همین امر، پذیرش و آموزش موازین حقوق بشری این اسناد را با چالش مواجه ساخته است.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- آقایی، سید داوود، «راهبردهای توسعه پایدار در سازمان ملل متحد»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره پنجاه و نه، ۱۳۸۲.
- اسماعیلی، علی، جوان و انگیزه و رفتار جنسی، چاپ اول، تهران، انتشارات لقاء النور، ۱۳۸۱.
- الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب البصری البغدادی، الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة، قاهره، ۱۳۸۰.
- امیر ارجمند، اردشیر، «آموزش حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره بیست و پنج و بیست و شش، ۱۳۷۸.
- باقری حامد، یوسف، ذاکریان، مهدی، بلوری، پیمان، هرمیداس باوند، داوود، «حق بر سلامت و بهداشت عمومی از منظر حقوق بنیادین بشر»، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره چهل و شش، ۱۳۹۷.
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناظره، جلد بیست و سوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۶.
- ثابت، حافظ، تربیت جنسی در اسلام، چاپ دوم، قم، نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، ثابت ۱۳۸۵.
- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، چاپ دوم، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۵.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، جلد دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد سوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن، المختصر فی شرح المختصر، قم، موسسه سید الشهداء، ۱۴۰۷.
- روحانی قمی، میرزا ابوالقاسم، غنائم الايام، جلد دوم، خراسان، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۲.
- سبحانی، جعفر، نظام القضاء و الشهادة، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۴.
- سلامتی، یعقوب، اخوان فرد، مسعود، طالقانی، حسین، «تکلیف بر رعایت حق بر آموزش در حقوق اسلامی - مقررات حقوق بشر»؛ فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره چهار، ۱۳۹۴.
- سلگی، مریم، کریمی، سوده، «ارزیابی مسأله خانواده با محوریت نقش زن در سند ملی آموزشی ۲۰۳۰ یونسکو»، مجله مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره پانزده، ۱۳۹۹.
- صدوق، محمد بن علی، من لایحضر الفقیه، تهران، نشر صدوق، ۱۴۱۸.
- طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، جلد چهارم، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، جلد چهارم، تهران، نشر صدوق، ۱۴۱۷.

- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالك الافهام، جلد چهارم، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین، شرح لمعه، جلد دوم، قم، کتاب فروشی دآوری، ۱۴۱۰.
- غمامی، محمد مهدی، خمامی، نیلوفر، «چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار ۲۰۳۰»، مجله حکومت اسلامی، شماره یک، ۱۳۹۸.
- فرهانی فرد، سعید، «درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور»، مجله اقتصاد اسلامی، شماره بیست، ۱۳۸۴.
- فقیهی، علی‌نقی، شکوهی یکتا، محسن، پرند، اکرم، «آموزش جنسی به کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی»، مجله تربیت اسلامی، شماره هفت، ۱۳۸۷.
- فولادی، محمد، «بررسی انتقادی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ یونسکو: آثار و پیامدهای آن، معرفت فرهنگی اجتماعی»، شماره سه، ۱۳۹۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد یازدهم، قم، دار الحديث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹.
- گلپایگانی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، جلد اول، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵.
- متقی‌فر، غلامرضا، درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام، چاپ دوم، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۸۳.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، جلد سوم، نجف الاشرف، ۱۴۰۹.
- مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۳.
- نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد بیست و سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.
- همتی، مجتبی، «آموزش حقوق بشر در نظام بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره پنجاه و چهار، ۱۳۹۰.

منابع لاتین

- Al Fredsson, G., The Right to Human Rights Education, in A. Eides, Economic, social and cultural Rights: A Text book, Dordrecht, 1995.
- Baxi, Upendra, Human Rights Education, in: The Essentials of Human Rights, Ed. By Rhona K.M. Smith and Christien Van Den Anker, Hodder Arnold, New York, 2005.
- Conde, H., Victor, A., Handbook of International Human Rights Terminology, Santa Barbara CA: ABC-Clio, Second Edition, 2002.